



A Comparative Study of Political Theology Issues from the Perspective of Javadi Amoli and Mojtabeh Shabestari

Dr. Ali Aghajani

Assistant Professor, Research Institute of Hawzah and University

Email: aqajani@rihu.ac.ir

Abstract

Javadi Amoli and Mujtabeh Shabestari are considered to be important thinkers of political theology and among the most important sources of religious thought production who have actively participated in contemporary issues of political theology. Based on a comparative method, this article examines the opinions of these two in the most important issues of political theology to find their similarities and differences. The result is that their commonalities are attention to newly emerging political issues, relative coherence in their collection of political theology, the connection between the field of religion and the field of politics, the scientific and religious authority of imams, considering reason and revelation as parts of the same division and accepting reason's inherent validity, the fundamental importance of how to govern, the possibility of harmony between Islam and democracy, rejecting imposition and coercion, people's participation in the process of political affairs, the right to monitor the performance of rulers, non-imposition of opinion, freedom, justice, security, and ownership are different dimensions of human rights. The differences, however, are greater since they belong to two different paradigms/discourses with different presuppositions. While Javadi Amoli sincerely believes in maintaining and strengthening the political theological heritage, Shabestari considers this heritage completely useless in the contemporary era. Contrary to Shabestari, Javadi Amoli connects issues to God in a hierarchical manner and considers the intention of closeness to God necessary.

Keywords: issues of political theology, Javadi Amoli, Shabestari, comparative study, Islam, democracy.





| | |
|--|---|
| HomePage: https://jphilosophy.um.ac.ir/ | سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۰۱ - ۱۷۷ |
| شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۷۱ | شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۱۲ |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ |
| DOI: https://doi.org/10.22067/epk.2023.81840.1232 | نوع مقاله: پژوهشی |

بررسی تطبیقی «مسایل کلام سیاسی» از دیدگاه جوادی آملی و مجتهد شبستری

علی آقاجانی

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

aqajani@rihu.ac.ir

چکیده

جوادی آملی و مجتهد شبستری از اندیشه ورزان مهم کلام سیاسی از مهم ترین حوزه های تولید اندیشه دینی محسوب می شوند که در پرداختن به مسایل معاصر کلام سیاسی فعالانه مشارکت جسته اند. مقاله در پاسخ به پرسش از نقاط اشتراک و افتراق، بر پایه روش تطبیقی به بررسی آرای این دو در مهم ترین مسایل کلام سیاسی و اکتشاف تشابهات و تفاوت ها پرداخته است. بر این اساس، مشترکات آن ها توجه به مسایل سیاسی نوپدید، انسجام نسبی در مجموعه کلام سیاسی، ارتباط ساحت دین با ساحت سیاست، مرجعیت علمی و دینی امامان، قسیم وحی دانستن عقل و اعتبار ذاتی آن، اهمیت بنیادین چگونه حکومت کردن، امکان سازواری اسلام و دموکراسی، عدم تحمیل و اجبار، مشارکت مردم در فرایند امور سیاسی، حق نظارت بر عملکرد حاکمان، عدم تحمیلی بودن عقیده؛ آزادی، عدالت، امنیت، و مالکیت ابعاد مختلف حقوق بشر، است. اما تفاوت های این دو بیشتر است و در دو پارادایم/گفتمان متفاوت با پیش فرض های مختلف تنفس می کنند. در حالی که جوادی آملی به حفظ و تقویت میراث کلامی سیاسی سخت معتقد است شبستری این میراث را در دوره جدید یکسره غیر مفید می انگارد. جوادی آملی بر خلاف شبستری مسایل را به صورت سلسله مراتبی به خدا پیوند داده و قصد قربت را لازم می شمرد.

کلیدواژگان: مسائل کلام سیاسی، جوادی آملی، مجتهد شبستری، بررسی تطبیقی، اسلام و دموکراسی

مقدمه

کلام سیاسی یکی از مهم ترین حوزه های مطالعات دینی است که امکان تولید اندیشه دینی دارد. عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲) و محمد مجتهد شبستری (متولد ۱۳۱۵ ش) دو تن از برجسته ترین متکلمان معاصرند که تولیدات کمی و کیفی مناسبی در حیطه مطالعاتی کلام سیاسی داشته اند. اینان از آن جا که در دو گفتمان و دستگاه کلامی متفاوت به تولید نظر پرداخته اند و در دو سر طیف قلمداد می شوند سوژه مناسبی برای بررسی تطبیقی هستند. امری که می تواند به غنای حوزه کلام سیاسی بینجامد.

از آن جا که حوزه مستقل کلام سیاسی از حیث دانشی دوران طفولیت خود را می پیماید و در ابتدای راه است کاوش در انظار برجستگان کلام در دوره معاصر که به پیوند جامعه و کلام اندیشیده اند امری لازم و پر اهمیت است. به ویژه مطالعات تطبیقی و مقایسه ای می تواند به آشکارگی نقاط عطف و گرانیگاه ها در برساختن حوزه دانشی نوپا و نورافکندن بر زوایای آن بینجامد.

در این جهت پرسش اصلی از شباهت ها و تفاوت های این دو در مسایل کلام سیاسی است. مقاله با بهره گیری از روش مقایسه ای به کاوش در باره برخی از اهم مسایل کلام سیاسی پرداخته است و این فرضیه را پیش می کشد که علیرغم برخی شباهت ها یا شباهت نمایی ها پایگاه فکری جوادی سنت و نص با رویکرد عقلانی است و پایگاه فکری شبستری پست مدرنیسم با رویکرد هرمنوتیکی است و دو صورت بندی متفاوت از کلام سیاسی ارائه می دهند.

چارچوب روشی

چارچوب روشی مقاله مطالعه تطبیقی است. مطالعه تطبیقی مقایسه دو یا چند پدیده (موضوع یا مساله) در دامنه مشخص (تعیین محورهای بررسی در میان ابعاد مختلف آن پدیده) برای کشف نقاط اشتراک و اختلاف آنها، برای رسیدن به هدف تحقیق (دست یابی به شواهد بیشتر، یا دست یابی به نقطه مرکزی یا نقطه شروع حرکت، یا تعیین جهت حرکت و تصمیم سازی برای عکس العمل در برابر آن پدیده) است. مطالعات تطبیقی، شناخت یک پدیده در پرتو مقایسه است که با توصیف و تبیین نقاط اشتراک و نقاط اختلاف انجام می پذیرد. در مطالعات تطبیقی، صرف مقایسه کردن هدف نیست بلکه از کشف موارد تشابه و اختلاف باید به ملاک تشابه یا اختلاف رسیده شود و براساس آن مساله ای حل شود. در مطالعات تطبیقی، باید ابتدا مقایسه پذیری مواردی که قصد بررسی آنها را داریم اثبات شود. یافتن یک ضلع مشترک میان مواردی که قصد تطبیق آنها را داریم، قدم اول در فرآیند عملیاتی تطبیق است.^۱

۱. فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، ۲۹۳.

مطالعه تطبیقی، چند فرآیند دارد: تعریف مساله، مشخص نمودن دامنه تطبیق، فهرست کردن تمام تشابه‌ها و تمایزهایی که به نظر می‌رسند (بین مبانی، مسائل، فرضیه‌ها، لوازم، زمینه‌ها، تعریف‌ها، توصیف‌ها، روش‌ها، مراحل، فرآیندها، ابزارها، مثال‌ها، نتایج، توصیه‌ها و...)، جدا کردن تشابه‌ها و تمایزهای واقعی از موارد تشابه‌نما یا تمایز‌نما، بررسی علت وجود مشابهت یا علت اختلاف، و تلاش برای حل مساله تحقیق.^۱ در این پژوهش بسیاری از این فرایندها به شکل صریح یا مضمحل به ویژه تشابهات و افتراقات در نظر گرفته شده و برخی نیز فرو گذاشته شده است.

سابقه تحقیق

در عنوان اصلی هیچ مقاله‌ای که به بررسی کلام سیاسی این دو متفکر پردازد وجود ندارد. همچنین در سایر موضوعات نیز عنوانی موجود نیست. البته مقاله نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت الله جوادی آملی^۲ را می‌توان ذکر کرد که گرچه در عنوان غیر تطبیقی اما در محتوا تطبیقی است ولی به مسائل کلام سیاسی نمی‌پردازد. مقاله‌ای نیز در نقد دیدگاه مجتهد شبستری مبنی بر بشری بودن قرآن کریم با تکیه بر آراء جوادی آملی موجود است. اما مقالات مقایسه‌ای میان شبستری و برخی عالمان دینی به چشم می‌آید. مانند مقایسه میان شبستری و مصباح یزدی،^۳ مقایسه میان شبستری و مطهری^۴ و مقایسه میان طالقانی و مجتهد شبستری.^۵ مهم‌ترین برخی مقالات بدون ذکر نام در جریان شناسی‌های فکری قابل توجه است. کتاب تفسیر سنتی و هرمنوتیک جدید؛ مقایسه‌ای تطبیقی میان دیدگاه‌های تفسیری محمدحسین طباطبائی، عبدالله جوادی آملی، عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری،^۶ نیز در این جهت قابل توجه است گرچه متمرکز و در حیطه کلام سیاسی نیست. بر این اساس دریافت شفاف و تطبیقی انظار این دو متفکر در اهم مسائل کلام سیاسی و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان امری بدیهی است که وجه نوآورانه و تمایز بخش این مقاله محسوب می‌شود.

۱. فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۲۹۹.

۲. حاجی اسماعیلی، کمالوند و رحیمی: «نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت الله جوادی آملی»، ۱۳۹۲.

۳. شهبازی، «نقد شبهه دکتر مجتهد شبستری مبنی بر بشری بودن قرآن کریم با تکیه بر آراء آیت الله جوادی آملی»، ۱۴۰۰.

۴. رشیدی، مختاری، ۱۳۹۶؛ باقری دولت‌آبادی، نوری، ۱۳۹۴؛ روشن، شفیع سیف‌آبادی، ۱۳۹۰.

۵. ترابی، محمد؛ ۱۳۹۵؛ امینی، آرمین؛ الهیاری، اصغر؛ ۱۳۹۷.

۶. شیرخانی، یزدانی احمدآبادی، «مقایسه اندیشه‌ی سیاسی طالقانی و محمد مجتهد شبستری»، ۱۳۹۶.

۷. محمدپور مرزبالی، «دین حداقلی انگاران» و «دین حداکثری انگاران»، ۱۳۹۷.

۸. امامی، تفسیر سنتی و هرمنوتیک جدید، ۱۴۰۱.

مفاهیم

۱. کلام سیاسی

کلام سیاسی یکی از حوزه های دانش سیاسی اسلامی است که هنوز شکل منظم و دقیقی نیافته و از دو بخش کلام سنتی و کلام جدید تشکیل می شود. هر یک نیز دارای چندین تعریف و رویکرد است. هم در تعریف کلام در میان عالمان این علم در قدیم و اکنون همگونی وجود ندارد^۱ و هم در تعریف و رویکرد به کلام جدید نگرش های متفاوتی موجود است.^۲

به نظر می رسد تعریف صادق لاریجانی از کلام تعریف مقبولی است. وی تعریف علم کلام به علمی که دفاع عقلانی از اعتقادات دینی را متکفل است، دور از واقعیت نمی داند. مقصود وی از «عقلانی» معنایی موسع است بطوری که استناد به نقل را نیز، در صورتی که اصل استناد توسط عقل، تصحیح و توجیه شده باشد، را نیز شامل می شود. مقصود از «دفاع» نیز امری است اعم از «اثبات»، «تقویت» و «توجیه» و اعم از «تبیین» و «تفسیر» مفاهیم دینی.^۳ بدین روی باید توجه داشت که کلام هم ماهیتی دفاعی، هم واسطه ای و هم تبیینی دارد چنان چه برخی صاحب نظران بر این رأیند. در کلام جدید نیز نظر برگزیده مقاله میان مقام تعریف و تحقق تمایز قائل شده و معتقد است که در مقام تعریف، مسائل، روش و موضوع و مبانی - با حفظ اصول گذشته - تحول یافته است. اما در مقام تحقق، کلام از نظام های هندسی مختلفی تشکیل شده است که بسیاری از آن ها هیچ سنخیتی با یکدیگر و با کلام قدیم ندارند. از کلام سیاسی تعاریف اندک اما متفاوتی وجود دارد.^۴ اما بر پایه مطالب پیش گفته تعریف مختار از کلام سیاسی عبارت است از: فهم، تبیین، اثبات، تنسيق، تنظیم (به نظام در آوردن) تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه های کلان و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی که با روش های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می گیرد.

۲. مسائل کلام سیاسی

مسائل دانشی کلام سیاسی را هم مسائل سیاسی کلام سنتی و هم مسائل سیاسی کلام جدید در بر می گیرد. برخی پژوهش گران به احصای غیر تفکیکی مسائل کلام سیاسی پرداخته اند. پاره ای دیگر به

۱. فارابی، ۱۹۹۶م. ص ۸. شیخ مفید، ۱۳۷۲ش. ص ۹. ص ۵. مطهری. بی تا، ص ۳۰.

۲. مجتهد شبستری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸. خسروپناه، ص ۱۵. فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹-۱۲۰. واعظی، ۱۳۷۵: ۹۷-۱۰۰. سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۷-۹.

۳. لاریجانی، ۱۳۷۵، شماره ۹، ص ۱۰ تا ۳۶.

۴. بهروزلک، ۱۳۸۲، شماره ۲۸، ص ۷۹-۱۰۵. خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۵۰۴.

۵. حقیقت، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴-۱۶۴.

تفکیک میان مسائل کلام سیاسی سنتی و جدید همت کرده اند که جامع و مانع نیست. در رهیافت نخست عدم جامعیت، اختلاط بی ضابطه مسائل کلام قدیم و جدید و نیز کم شمار و محدود بودن آن را مشاهده می کنیم. در رهیافت دوم نیز گرچه تفکیک صورت می گیرد و از این جهت دارای امتیاز است اما اولاً برخی موارد اصولاً مساله نیست. مانند دفاع از دین که جزو غایات کلام سیاسی است. از این رو این مساله شناسی نیز دچار کاستی های جدی است. ضمن آن که هم کامل نیست و هم وجه دانشی کلام سیاسی بیشتر معطوف به دوران جدید است و مسائل آن می باید منطبق بر آن باشد که جز اندکی بقیه چنین نیست.

بنابر این مساله کلامی مساله ای است که در یکی از حوزه های فهم، تبیین، اثبات، تنسیق، نظام سازی، تصحیح، توجیه، کارآمدسازی و دفاع از آموزه ها و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی قرار گیرد. چنان که مطهری و صادق لاریجانی نیز بشتی به این سمت متمایلند.^۳

مطهری بحث امامت و رهبری از جنبه اجتماعی، اقتصاد اسلامی و فلسفه اجتماع را از مسائل کلام جدید شمرده است. صادق لاریجانی نیز مباحث مربوط به ساختار حکومت در اسلام، و مشروعیت حکومت اسلام و مساله آزادی، عدالت، حقوق انسانها، پاره ای از مسائل خاص در حقوق جزائی و مدنی اسلام و توجیه یا تبیین آنها. حقوق زن در اسلام، موقعیت زن در دین اسلام. الگوهای معیشتی در اسلام، روحانیت و نقش آن در اسلام. فرهنگ و نسبت دین و ایدئولوژی را از مسائل سیاسی کلام جدید دانسته است.

بر این اساس به نظر می رسد که می باید مسائل کلام سیاسی شیعه را در ساختاری جدید تر و منضبط تر و مبتنی بر کلام جدید ارائه نمود. بر این پایه ساختار پیشنهادی آن است که به جز مسائل و موضوعات سنتی نظیر ابعاد سیاسی اصول پنج گانه از مسائلی چون قلمرو دین، ابعاد سیاسی توحید، جامعیت اسلام، نبوت و سیاست، امامت و سیاست، مشروعیت و حاکمیت در اسلام، اسلام و حاکمیت مردم، و اسلام و آزادی و مانند آن ها را می توان مسایل کلام سیاسی نامید...

صورت بندی اهم مسایل کلام سیاسی در نگرش تطبیقی

۱. دین و سیاست

۱. بهروز لک. ۱۳۸۲. ش ۲۸.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ۳۸ و ۲۸۵.

۳. لاریجانی، ۱۳۷۵، شماره ۹.

رابطه دین و سیاست یکی از کانونی ترین مناقشات کلام سیاسی است. اندماج یا تجزی این دو معرکه آراست. در دوره معاصر دیدگاه های تجدیدنظر طلبانه و بازاندیشانه پاره ای از صاحب نظران مجدداً آن را تبدیل به یک کلان مناقشه اساسی کرده و به معنای خاص ادبیات مربوط به خود را تولید می کند. امری که پاسخ ها و میدان های فکری و علمی تازه ای را می گشاید. در این باره عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲) میدان دار بزرگ این عرصه است که بر اندماج و ادغام دین و سیاست، ضرورت قانون الهی و نیاز به دین تاکید دارد. وی به گونه ای منسجم و عمقی به نظریه پردازی پرداخته است.

از دیدگاه وی اگر قانونی فقط جنبه های طبیعی و عملی انسان را مورد توجه قرار دهد و ابعاد اخلاقی و یا اعتقادی او را نادیده گیرد، نمی تواند انسانها را به سعادت نهایی برساند.^۱ وی بر این اساس معتقد به نیازمندی انسان در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود به دین است. از نظر وی، ماهیت احکام اسلام به خوبی ضرورت تشکیل حکومت را ترسیم می کند؛ زیرا روح جمعی، در همه احکام اسلام منتشر و مفروش است. از این دیدگاه است که او عرصه های اجتماعی سیاسی اسلام را مانند نظارت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع، دارد و اگر حدود و مقررات و قوانین اجتماعی و جامع مورد توجه قرار داده و به رخ می کشد.^۲

اما شبستری بر اساس مبنای هرمنوتیکی و بر پایه تجربه دینی با زاویه متفاوت و دگرگونه ای به مساله می اندیشد و در تبیین و تفسیر تعبیر « دین ما عین سیاست است و سیاست ما عین دین است » معتقد است عمل سیاسی گرچه با قصد قربت نباشد و مانند تمتعات طبیعی انسان برای تدبیر زندگی و خوب زندگی کردن انجام شود مورد رضایت و مهر خداوند است.^۳

شبستری با نفی حق حاکمیت حقوقی خداوند که گزاره معهود در نگرش عالمان حوزوی است، بر اساس دلایل برون متنی کرامت انسان را دال بر رهایی او از حوزه امر و نهی حقوقی الهی در زندگی اجتماعی می انگارد. وی بر آن است که اگر نظریه سنتی دلایل قابل قبول نداشته باشد، نظریه حاکمیت بالاصاله انسان بر تدبیر زندگی اش که ناشی از حرمت و کرامت ذاتی وی به عنوان فرد آزاد مسئول می باشد و حقوق بشر تضمین حقوقی آن را بر عهده دارد با هیچ گونه معارضه الهیاتی - کلامی روبرو نخواهد شد.^۴

۱. جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقهت و عدالت، ۵۲.

۲. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۱۲۹.

۳. جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقهت و عدالت، ۶۸.

۴. جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقهت و عدالت، ۷۶-۷۵.

۵. مجتهد شبستری، www.mohammadmojtahedshabestari.com، ۹/۹/۳۹۲.

۶. محمد مجتهد شبستری، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۱۸۷.

به این جهت نمی توان گفت خداوند حق حاکمیت در معنای حقوقی آن در فلان جامعه دارد.^۱ شبستری درک خاصی از سکولاریزم و ارتباط دیانت با سیاست دارد. وی سیاست ورزی را اساساً امری مدنی دانسته که مصادیق آن از جمله در کتاب و سنت با نگاهی تاریخی قابل تغییر و عبور است. وی بر آن است که این پرسش که ما به عنوان انسانهای سیاسی چگونه ایمان بورزیم، انسانی را مفروض گرفته که قبل از هر چیز و نقداً درگیر سیاست زمینی است و می خواهد بداند چگونه به پیام قرآن که طلب ایمان است می تواند پاسخ دهد، این همان انسان مسلمان و مخاطب پیامبر اسلام چه در عصر بعثت و چه در عصر کنونی است.^۲

وی معتقد است که سیاست باید در ماهیت بشری - عقلایی خود باقی بماند و نباید از منظر ایمان تعریف شود و از طرف دیگر سکولاریسم هم محقق نشود، بلکه همان سیاست زمینی بشری - عقلایی، مصداق «عمل صالح» تلقی شده و با «اخلاق معنوی - دینی» مقید گردد. وی بر آن است که در این صورت مسلمانان می توانند از مصداقهای سیاست و حکومت که در کتاب و سنت آمده و بر عرف و عادت مبتنی بوده در عصر حاضر عبور کنند و به سیاست و حکومت به معنای علمی و فلسفی آن روی آورند بدون اینکه از پیام ایمانی کتاب و سنت تخلف کرده باشند و دچار سکولاریسم شوند. شبستری معتقد است تقابل سکولاریزم با فرهنگ زاکرال یعنی فرهنگ سیاسی - اجتماعی فوق عقلایی و غیردنیایی است در حالی که در تاریخ ما «زاکرال» وجود نداشته تا امروز «سکولاریزم» به عنوان مقابله با آن مطرح شود. وی مشکل سیاست دینی موجود را استفاده از اتوریته دینی به جای عقلانیت می داند.^۳ او در همین جهت تقسیم بندی «برون دینی» و «درون دینی» را نیز قبول ندارد و متعلق به فرهنگ دینی نمی داند.

۲. نبوت و سیاست

مباحث پیرامون شؤون سیاسی و اجتماعی نبوت دامن گستر و مناقشه برانگیز است. در این وادی دو پرسش اساسی مطرح است. نخست آن که آیا نبوت و حکومت همسان یکدیگرند و مدغم در هم اند یا آن که هر دو سرشتی جداگانه دارند و منصبی متفاوت تلقی می شوند. دیگر آن که دائره اطاعت و پیروی از پیامبر و عصمت وی کجاست و چه محدوده ای را در بر می گیرد؟
جوادی آملی نبوت و حکومت را همسان یکدیگر و مدغم در هم دانسته و بر آن است که حکومت

۱. مجتهد شبستری، همان، ۱۹۰.

۲. همان.

۳. مجتهد شبستری، همان، ۱۵۹.

۴. مجتهد شبستری، همان، ۲۰۴.

جزئی از ماموریت الهی پیامبران است. بر اساس این دیدگاه و در این منظومه کلامی سیاسی ضرورت حکومت اسلامی، ضرورت تعیین حاکم اسلامی را به همراه دارد؛ زیرا برای اجرای احکام و دستورات اسلام، صرف وجود قانون الهی و حکومت اسلامی کافی نیست و نیاز به مجریانی است که این قوانین را به طور دقیق اجرا کنند که این مجریان باید از سوی خداوند برگزیده شوند؛ زیرا بر اساس بینش توحیدی، تنها کسی که بالاصالة حق ولایت و سرپرستی انسان و جامعه بشری را دارد، خالق انسان و جهان است و از میان انسانها، آن کسی می تواند جانشین خداوند باشد و از سوی او بر مردم حکومت کند که خداوند به او اذن داده باشد و برای آنکه وحی خداوند بر جامعه بشری حکومت کند، خداوند این اذن را به کسی سپرده است که در مقام علم و عمل، عصمت داشته باشد؛ یعنی هیچ خطا و لغزشی از او در علم و عملش رخ ندهد که در این صورت، علم و عملش مطابق و تابع علم و عمل خداوند بوده و در نتیجه، حاکمیت او، حاکمیت الهی خواهد بود. بر این اساس، حقیقت حکومت و حاکم اسلامی به حاکمیت وحی و قانون الهی باز می گردد و جوادی آملی آن را مستند به آیات قرآن از جمله آیه ۱۰۵ نساء می کند. از نظر وی اصولاً پیامبری و نبوت از زعامت قابل تفکیک نیست. همچنین وی به آیه ۶ احزاب استناد کرده و به نقدهای مهدی حائری یزدی در این باره پاسخ می دهد.^۳

مجتهد شبستری اما بر این باور است که حکومت پیامبر نه یک قدرت روحانی - الهی بلکه یک حکومت دنیوی - نبوی بوده است و پیامبر در این امور برای خود ولایت مقدسه غیرقابل نقد قائل نبوده است. شبستری بر همین اساس به نقد نگاه توقف گرایانه به دامنه و قلمرو نبوت می پردازد و بر آن است که معنا و هدف نبوت پیامبر این نبوت که در هر زمینه و باب اجتماعی سخن آخر را بگوید. نبی خود در داخل نظام اجتماعی معینی عمل می کرده است، نه بر بالا و از فراز آن.^۴

از دیدگاه وی پیامبر دعوی قانونگذاری برای بشر نداشته است. زیرا در قرآن تعبیر قانون وجود ندارد و به جای آن تعبیر حکم وجود دارد که بعدها وارد فقه شد. از نظر وی حتی معاد در قرآن اخبار گزاره ای حاکی از یک امر واقعی نیست. بلکه تفسیری از انسان است. بنابر این شکل بیان مهم نیست و محتوا، محتوای تفسیری است. شبستری معتقد است پیامبر(ص) تنها در اجرای وظیفه خود که هدایت انسانها و دعوت به

۱. جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، ۷۶-۷۵.

۲. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۶، ۴۶۱-۴۵۴.

۳. جوادی آملی، «مجله حکومت اسلامی»، ۲۲۵.

۴. مجتهد شبستری، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۱۵۷.

۵. مجتهد شبستری، همان، ۱۶۸-۱۶۷.

۶. فصلنامه مدرسه به نقل از سایت راهبرد <http://www.rahbordonline.com>.

خدای یکتاست عصمت داشته اما عصمت بیش از این معنایی ندارد و او و امامان شیعه هم محدودیتهای انسانی داشتند.^۱ وی معتقد به تحول تاریخی عقائد کلامی بوده و اعتقادات اسلامی را فرموله شده و دارای تاریخ پیدایش و تحول می انگارد.^۲

۳. امامت و سیاست

امامت نیز از بنیادی ترین کانون‌های مناقشه کلامی است که از سوی گفتمان‌های حاشیه‌ای مورد نقد قرار گرفته است. جوادی آملی بر تلقی سنتی از امامت تاکید دارد و قدر جامع امامت را زعامت سیاسی اجتماعی می انگارد.^۳ وی بر خلاف برخی نظریه پردازان امامت را در این جهت ادامه نبوت دانسته و تصدی منصب حکومت را جزو ذاتی امامت می شمارد.

وی بر این پایه معتقد است که معصومین (ع) منصوب و منصوص از ناحیه الهی به حکومت و سیاست و رهبری فکری و علمی و سیاسی جامعه و در تمامی امور دارای عصمت حداکثری اند و امکان گناه و خطا در رهبری تمام عیار آنان وجود ندارد. دگر مقابل شبستری مانند حائری یزدی معتقد است حکومت از مسائل فرعی امامت است و نظریه امامت در میان شیعه در اساس معطوف به مرجع اخذ و تفسیر معارف دینی است و بر این اساس شیعه امامان خود را مفسران به حق دین می دانستند. وی بر این پایه نظریه امامت در میان شیعه را تئوری حکومت و اندیشه سیاسی نمی داند.^۴

۴. قلمرو دین

مباحث مربوط به قلمرو دین که با عنوان جامعیت هم شناخته می شود در دوره های جدید با ادبیاتی تازه پا به عرصه محافل علمی سیاسی گذاشته و رهیافت هایی جدید می آفریند. به طور عمده، دیدگاه‌های مختلف در باب قلمرو دین را می توان به دو دیدگاه عمده تقسیم کرد: ۱. دیدگاه حدّ اقلی؛ ۲. دیدگاه حدّ اکثری. بر اساس دیدگاه حدّ اقلی یا انتظار اقلی از دین، قلمرو دین در امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - فقهی به حدّ اقلّ تحویل و فروکاهش محدود و منحصر کرده، و در امور دنیایی هم به حدّ اقل لازم بسنده کرده است؛ اما نظریه «دین حدّ اکثر» هر دو امور دنیایی و آخرتی را شامل می شود. البته در میان رویکرد حدّ اکثری و حدّ اقلی و یا در درون نگرش حدّ اکثری طیف های متعددی قابل شناسایی است.

۱. مجتهد شبستری، <https://3danet.ir/smah-and-knowledge-of-the-prophet>.

۲. مجتهد شبستری، <http://mohammadmojtahedshabestari.com>.

۳. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۶، ۴۶۱-۴۵۴.

۴. جوادی آملی، نقد نقد، ۲۵۰-۲۳۵.

۵. حائری یزدی، نقدی بر مقاله «سیری در مبانی ولایت فقیه»، ۲۲۳-۲۳۳.

۶. مجتهد شبستری، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۲۳۲.

جوادی آملی در مقابل برخی که جامعیت دین را به عنوان دینی دارای نظام‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر آمده از علم فقه نفی کرده و دوگانه مدیریت علمی و مدیریت فقهی را برای تخفیف و تخطئه نظری مدیریت در جمهوری اسلامی درمی‌اندازند؛ تقابل مدیریت علمی و فقهی را نادرست انگاشته و بر آن است که از آن جا که عقل جزو منابع دین است از این رو مدیریت علمی مبتنی بر عقل منافاتی با دین ندارد. ^۱ وی پس از طرح مباحثی در حداقلی دانستن دین، اسلام را ناظر به همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان انگاشته که زندگی دنیوی انسان را هدایت و هرگونه دنیاگریزی را نفی می‌کند. استدلال وی آن است که هدف اصلی دین، تأمین سعادت دنیوی و اخروی است و در چگونگی سازماندهی دنیای مردم، نقشی مؤثر و در تأمین حیات معنوی و نجات آخرتی آنها سهم بسزایی دارد. ^۲

با این حال جوادی آملی نظریه پرداز گرایشی در قلمرو دین است که به جامعیت منابع دینی یعنی اندراج عقل و نقل ذیل شریعت معتقد است و این نکته رویکرد وی را تا حدودی متفاوت با همگنانش می‌سازد. بر این اساس هم دین و هم شریعت از عقل و نقل تشکیل شده است. از این رو عقل نیز به عنوان حجت درونی بخشی از دین است که اگر مبتنی بر مبدا و معاد باشد دارای حجیت شرعی است. بر این اساس لزومی ندارد که در همه موارد به کتاب و سنت رجوع کنیم تا زندگی دینی داشته باشیم بلکه استنباطات عقلی نیز جزئی از دین است که زندگی دینی را می‌سازد. بر این پایه قلمرو دین و شرع مساوی با قلمرو انسانی است اما بخشی از آن را وحی و بخشی را عقل تأیید شده وحی تشکیل می‌دهد. ^۳ چنان که برخی دیگر از اندیشوران نیز طرفدار این نگرش اند. ^۴

اما مجتهد شبستری در مبحث قلمرو دین بر آن است که اسلام تنها به ارزش‌های اخلاقی و بیان کلیات بسنده کرده است و امور را به انسان‌ها تفویض کرده است. به باور وی شریعت اسلام، مبین چارچوب‌ها و اصول کلی اخلاقی و ارزشی از قبیل رحمت، عدالت و آزادی است؛ اما جدا از این اصول، شارع مقدس کاری جز امضای بنای عرف ندارد. وی در این راستا همه معاملات را ارشادی می‌داند. ^۵

۵. اسلام و مشروعیت حکومت

در برخی دوره‌ها مباحث بسیاری پیرامون مشروعیت حکومت و به طور عمده در جهت نفی ولایت فقیه از سوی برخی محافل علمی سیاسی روشن فکری مطرح می‌گردد که عمده آن نیز در جهت نفی

۱. جوادی آملی، نقد نقد، ۲۳۴ تا ۲۵۰.

۲. جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ۱۷.

۳. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۲۲۶-۲۲۷ و ۲۱۷-۲۱۸.

۴. علیدوست، ۱۳۸۱ ش. ص ۱۷۴-۱۷۵.

۵. مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت: ۲۲۸-۲۳۰.

تئوری ولایت فقیه است. از آن جا که ولایت فقیه در کلیت بحث مشروعیت حکومت مطرح است و نیز کلیت جایگاه نظریه ولایت فقیه در سیستم سیاسی اسلام مورد نظر است و در چارچوب رویکرد دفاعی کلام است؛ در قلمرو کلام سیاسی قرار می گیرد. چنان که جوادی آملی اصل مسأله ولایت فقیه، را مسأله- ای کلامی که لوازم آن در فقه نیز بحث می شود می انگارد.^۱

جوادی آملی بر آن است که هویت آدمی در دین او تجلی می یابد پس باید در نظام دینی نقش جمهوریت در برابر اسلامیت نظام و پیوند میان مردم و مکتب روشن شود. وی چند صورت را متصور است: این که دین هماهنگ با مردم دارای حاکمیت است؟ یا هماهنگی از سوی مردم است؟ یا یکی از این دو عنصر بر دیگری حاکم است؟ و یا هر دو به گونه شرکت سهامی نقشی مساوی دارند؟ وی معتقد است در بخش حدود و حقوق مردم، قرآن راه هرگونه سلطه و سیطره مالی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسانها بر یکدیگر را مسدود می سازد. جوادی آملی در این جهت به دو آیه ۷۹ و ۸۰ آل عمران استناد کرده و معتقد است که در بخش حقوقی مردم، نظام ارباب و رعیتی در هیچ شکلی میان انسان ها رسمیت ندارد.^۲ او اما در بخش عظمت و حرمت دین و حکومت خدا بر مردم معتقد است که خداوند ربوبیت تام و مطلق بر همه هستی دارد؛ زیرا عالم و آدم، آفریده و تحت تدبیر خدا است. بر این پایه همه آفرینش و انسان، رعیت محض خدا و بنده صرف اوست و جز اطاعت هیچ راه عاقلانه ای برای تکامل انسان وجود ندارد. وی بر این اساس معتقد است جمهوریت عاقلانه نمی تواند در تقابل با مقام آفریدگاری و پروردگاری، سخن از حق و رأی خویش داشته باشد. اما تحقق عینی و خارجی و سازمان یافتن حاکمیت دین در جامعه جز با همراهی دست قوی و دل مشتاق انسان ها ممکن نخواهد بود. جوادی آملی با اقامه سه دسته ادله عقلی، عقلی - نقلی و نقلی محض معتقد است که خداوند در عصر غیبت امام زمان، انسان و جامعه را به حال خود رها نساخته و برای هدایت آن ها ولایت جامعه بشری را به دست افرادی با سه ویژگی: شناخت قانون الهی؛ استعداد و توانایی تشکیل حکومت؛ و امانتداری و عدالت سپرده است و این سه ویژگی در عصر غیبت در فقیهان جامع الشرایط است.^۳

۱. جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ۱۴۴؛ فوزی، اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، ۲۰۸-۲۰۷.

۲. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، ۳۴۸.

۳. جوادی آملی، همان، ۳۵۳.

۴. همان، ۳۵۴.

۵. همان، ۳۶۰.

۶. جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، ۱۵۹-۱۵۲.

وی مشروعیت ولایت فقیه را به نصب از سوی خداوند می‌داند که خیرگان به کشف آن دست می‌یازد. او بر آن است که قرآن دو نوع ولایت؛ ولایت بر محجورین و ولایت بر فرزندانگان - که در سوره مائده است - را مطرح می‌کند. از این رو حاکم اسلامی بر جامعه نه وکالت بلکه ولایت از نوع دوم دارد و مردم از طریق متخصصان خبره از میان فقیهان جامع شرایط بهترین و تواناترین فقیه را شناسایی کرده ولایت الهی او را می‌پذیرند و آنان در مقام اثبات دارای نقش اساسی، اما در مقام ثبوت مداخلیتی ندارند.^۲

اما مجتهد شبستری مشروعیت را یکسره مردمی دانسته و بدون اشاره صریح به ولایت فقیه به نفی تلویحی آن می‌پردازد. وی معتقد است در عصر حاضر پرشش اصلی سیاست، «چگونه باید حکومت کرد» است و نه «چه کسی باید حکومت کند». از این رو حکومت نه با عادل بودن حاکم که با ساختار عادلانه عینی و خارجی قدرت سیاسی، مشروعیت سیاسی پیدا می‌کند و اگر ساختار عینی و خارجی حکومت چنان با جور و جباریت آمیخته شود که عقلا آن را مشروع نشمرند عالمان دین نمی‌توانند با این حربه که مشروعیت از سوی خداست آن را مشروع سازند.^۳

۶. اسلام و دموکراسی (مردم سالاری)

در نسبت سنجی میان اسلام و دموکراسی آن چه معرکه آراست نحوه ترکیب اسلام و دموکراسی و اصالت بخشی به هر کدام از این دو است. طرح مسائل جدید از جمله اسلام و دموکراسی بیشتر از سوی روشن فکران دینی پردازش می‌شود آن گاه عالمان حوزوی نیز در صدد تبیین و یا دفاع بر می‌آیند. جوادی آملی اصالت را به اسلام داده و مردم سالاری و جمهوریت را بر مدار اسلامیت مفصل بندی می‌کند. از این رو وی بر آن است که اسلامیت به مقام ثبوت و جمهوریت به مقام اثبات بر می‌گردد. جوادی آملی سپس به بحث تحمیل یا عدم تحمیل حکومت الهی وارد شده و معتقد است اگرچه عقل برهانی اطاعت و ربوبیت خدای حکیم را بی چون و چرا می‌پذیرد اما چنین نیست که دین خدا و حکومت الهی تحمیلی بوده و مردم خواه ناخواه مجبور به تبعیت از آن باشند.^۴

جوادی آملی مردم سالاری دینی را مفهومی بسیط و نه ترکیبی دانسته و دین را متضمن نوع مردم سالاری مخصوص خود می‌شناسد. هر چند در تشریح ارکان آن به ترکیب نهاد دین و نهاد دولت می‌پردازد. وی

۱. جوادی آملی، همان، ۳۹۰.

۲. جوادی آملی، همان، ۴۰۲.

۳. مجتهد شبستری، <http://mohammadmojtahedshabestari.com>، یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۸.

۴. جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ۳۶۰.

۵. جوادی آملی، همان، ص ۳۵۵.

۶. میراحمدی، مردم سالاری دینی در اندیشه آیت الله جوادی آملی، ۵۶.

برخی از جوانب این بحث را در نسبت شورا و حکومت مورد بحث قرار داده است. جوادی آملی در تفسیر تسنیم، مقصود نهایی از مشورت را کشف حق و صلاح و عزم بر اجرای آن می‌داند و معتقد است مشورت رسول اکرم برای بهره جستن از افکار مردم نبود. از همین رو خداوند حق تصمیم‌گیری را تنها به آن حضرت واگذارد. این نظریه تأثیر مشورت پیامبر را امری مانند احساس شخصیت، تدبیر و مآل اندیشی، تقویت رقابت، بلوغ اجتماعی-سیاسی جامعه دانسته است و محدوده‌ی آن را امرالناس و نه امرالله شمرده است.^۲ باور جوادی آملی آن است که در غیر معصوم کارهای کلان مملکت بدون مشورت به سامان نمی‌رسد و در چنین مواردی مشورت واجب است. چون «ما لا یتم الواجب الا به فهو واجب». نیز در موردی که بدون مشورت فتنه‌ی تحمل نکردنی رخ می‌دهد تحصیل آن لازم است. آیین تفسیر، خلافت پیامبر را امر الهی دانسته که مشورت در آن راهی ندارد.^۴

از دیدگاه جوادی آملی در حکومت دینی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و می‌توانند با استفاده از حق تکوینی خود، بالاترین حقیقت که پیروی از دین و تعالیم الهی است و عالی‌ترین حقوق خود را که تدین و دینداری است در عرصه حکومت بپذیرند یا به کنار گذارند. از نظر وی حکومت دینی، بدون حمایت مردم، امکان تشکیل و استمرار ندارد.^۵ اما از نظر جوادی آملی بیعت در فرهنگ تشیع علامت حق است نه علت آن و تنها کاشفیت دارد و تأثیری در ثبوت ندارد. همچنین حکومت جزء امرالناس نیست بلکه جزو امر الله است. بنابراین شورا در تعیین حاکم نقشی ندارد اما در نحوه اعمال حاکمیت موثر است.^۶

شبستری بر خلاف جوادی از سویی و سروش از سوی دیگر چندان با مفهوم مردم سالاری دینی یا حکومت دموکراتیک دینی بر سر مهر نیست. او معتقد است که قرائت دموکراتیک اسلام گر چه ممد و مؤید مردم سالاری می‌تواند باشد، اما به معنی بنیانگذاری مردمسالاری بر اسلام نیست؛ از نظر او می‌توان نشان داد اسلام مورد نظر، مخالف مردم سالاری نیست و مسلمان بودن با دموکرات بودن سازگار است اما این قرائت حکومت را دینی نمی‌کند و شکل خاصی از حکومت را به نام مردمسالاری دینی یا حکومت

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۶، ۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۴. همان، ص ۱۵۹-۱۵۸.

۵. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ۲۱۲-۲۱۱.

۶. همان، ص ۴۶۶-۴۶۲.

دموکراتیک دینی به وجود نمی‌آورد.^۱

بدین ترتیب شبستری اصالتاً حکومت را غیر دینی دانسته و بر آن است که دین تغییری در ماهیت حکومت که امری عرفی است به وجود نمی‌آورد. آوی معتقد است که تمامی مفاهیم مربوط به حکومت، عدل، قسط، شورا، بیعت و قضاوت در قرآن و سیره در همان مفهوم عرفی و دنیوی بشری - عقلایی به کار برده شده و ماهیت شرعی و «حقیقت شرعی» نداشته است. بر همین اساس شبستری بر خلاف بسیاری از مفسران بر آن است که در قرآن فقط از قدرت زمینی - عرفی (بشری - عقلایی) سخن رفته و به رسمیت شناخته شده است. شبستری بررسی کردن روابط افراد با نظام حکومتی را در چارچوب‌های مربوط به روابط افراد با یکدیگر و گنجاندن آن‌ها در مقولات «عقد» و «وکالت» را نادرست می‌انگارد و سنجش ناسازگار نبودن نظام حکومتی مسلمانان با اصول ارزشی مستفاد از کتاب و سنت را مقدم بر سنجش سازگاری آن دانسته و به بسندگی آن رای می‌دهد.^۲

۷. اسلام و آزادی

دین و آزادی یکی از مقولات بسیار مهم و پر کاربرد و محل مناقشه در کلام سیاسی است. هم آزادی به طور مطلق و هم آزادی سیاسی محل بحث و تبادل نظر و مناقشه است. جوادی آملی بر این نظر است که اسلام بر حاکمیت تعالیم دینی در جامعه بسیار تأکید دارد و بر همین اساس، آزادی در حقوق سیاسی اسلام جا یگانه ویژه ای یافته است. وی آزادی انتخاب شدن و برگزیدن و حق رأی، مشارکت مردم در فرآیند امور سیاسی، حق نظارت بر عملکرد حاکمان و جلوگیری از رفتارهای تبعیض آمیز و اظهار نظر در تصمیمات دولتمردان را از جمله مصادیق آزادی سیاسی در اسلام می‌شمارد. از نظر وی آزادی مردم، با مسئولیت در برابر خدا همراه است؛ نه آزادی مطلق و رهایی بی قید و شرطی که در نظام‌های دیگر وجود دارد. جوادی آملی در بحث آزادی عقیده، آن را به معنای عدم تحمیلی بودن عقیده به دلیل علمی و قلبی بودن آن می‌داند. اما این امر را دال بر این که هر کس در هر عقیده‌ای آزاد و با هر عقیده در قیامت اهل نجات است نمی‌شمارد.^۳

۱. مجتهد شبستری، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۱۸۰.

۲. همو، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۵۶.

۴. مجتهد شبستری، ۹/۱۳۹۲.

۵. مجتهد شبستری، ۹/۱۳۹۲، ا.

۶. جوادی آملی، تنسیم، ج ۳، ص ۴۷۱.

۷. جوادی آملی، تنسیم، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۸. همان، ص ۴۷۹.

جوادی آملی منظور از دین در لاکراه فی الدین را خطوط کلی و اصول و نه فروع فقهی، حقوقی و ولایی دانسته است.^۱ بر این پایه دلالت بر حکم تشریحی را صحیح می‌داند که بر این اساس عقیده آزاد است و جبر ممتنع و اجبار لغو و در محدوده‌ی شریعت چیزی به نام اکراه جعل نشده است. او کافر یا مشرک را به پذیرش اصل توحید و نیز اهل کتاب را بر پذیرش نبوت خاصه نباید واداشت. آما مجتهد شبستری بر آن است که منطق ایمان مساوی با منطق آزادی و مخالف با جامعه زورمدار است. وی به طور تلویحی جامعه آزاد را جامعه مومنانه تر می‌شمرد و بر آن است که مومنان باید در پی ایجاد جامعه آزاد باشند تا آزادانه تر، آگاهانه تر و خالصانه تر ایمان ورزند. از نظر او آزادی نه تنها بت نیست، بلکه بت شکن است. در دیدگاه وی مرز مشخصی میان آزادی سیاسی و غیر سیاسی وجود ندارد.

۸. اسلام و حقوق بشر

اسلام و حقوق بشر یکی از مناقشات نوپدید است که هم به جهت دفاعی و هم تبیینی ذیل کلام سیاسی قرار می‌گیرد. فلسفه حقوق بشر به دو معنا می‌تواند بررسی شود. نخست به عنوان دانشی درجه دوم که از پیوند و ربط حقوق بشر با مبادی، مبانی و پایه‌های اعتقادی آن سخن می‌گوید. دوم: به عنوان دانشی که درباره مبادی و پایه‌های اعتقادی و متافیزیکی حقوق بشر؛ یعنی درباره صحت و سقم آنها بحث می‌کند. اما مخرج مشترک این دو در مناقشه اسلام و حقوق بشر آن است که موارد حقوق بشری متداول در جوامع پیش رفته غربی که در حال جهانی شدن است از منظر اسلامی قابل پذیرش است یا قابل پذیرش نیست. از منظر جوادی آملی که در پاسخ به دیدگاه‌های جدید متأثر از مبانی انسان‌شناختی به تالیف کتابی با نام فلسفه حقوق بشر دست زده، در این حوزه برترین منبع حقوق، اراده تشریحی خداوند است و کشف این اراده از طریق شناخت انسان و جهان و از جمله شناخت فطرت الهی آدمی میسر است. از دیدگاه وی حیات، آزادی، عدالت، امنیت، و مالکیت ابعاد مختلف حقوق بشر است که در دیدگاه اسلامی با نگرش غیر اسلامی متفاوت است. بدین ترتیب در نظام حقوقی اسلامی، انسان در قبال خداوند تکویناً و یا تشریحاً مالک امری نیست.

جوادی آملی در تطبیق نظام حقوقی اسلام با نظام‌های غیر دینی از پنج مزیت یاد می‌کند. برتری

۱. جوادی آملی، تنسیم، ج ۱۲، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۷۶.

۳. همان، ۱۷۲-۱۷۳.

۴. مجتهد شبستری، ایمان، سیاست و حکومت / ۹/۱۳۹۲.

۵. مجتهد شبستری، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۳.

۶. جوادی آملی، نقد نقد، ۱۰۴-۱۰۵.

زیرسازهای داخلی، فاعلی و غایی: بدین معنا که نظام حقوق اسلام تنها به زیرسازهای داخلی، و به ماده و صورت حقوق بشر اکتفا نکرده است و بر نظام فاعلی و غایی حقوق تأکید دارد. برهان پذیری، بدین معنا که حقوق بشر اسلامی یک امر صرفاً اعتباری نیست، بلکه مجموعه قوانین اعتباری است که ریشه در تکوین داشته، و با عقل عملی و در مواردی که به کلام الهی مستند می‌گردد، به برهان لمی اثبات می‌شود. برخورداری از ضمانت اجراء قوی تر به گونه ای که علاوه بر عوامل اجرایی خارجی، و یا عوامل اجتماعی و فرهنگی ضامن اجرایی این حقوق، برای مؤمنان خداوندی است که در همه حال با همه همراه و بر کار همگان آگاه است. سازگاری و هماهنگی مزت دیگر است. زیرا هر چه از خدا باشد دارای هماهنگی و هر چه از سوی دیگران طراحی گردد، دچار آشفتگی و پریشانی است. پنجمین مورد نیز تناسب و دوام است.^۱ اما شبستری بر این باور است که در عصر حاضر حقوق بشر غیردینی - اخلاقی تنها تکیه‌گاهی است که می‌توان با استناد به آن همه مردم روی زمین را با همه فرهنگها و ادیان و بی‌دینی‌ها به مخالفت با ستم، تبعیض و تجاوز و احقاق حقوق انسان دعوت کرد و این امتیاز عمده‌ای است که این حقوق بشر بر حقوق بشرهای مفروض متافیزیکی دارد.^۲ از دیدگاه شبستری حقوق بشر همانند سایر امور دنیوی حق مسلم مردم و در اختیار آنهاست و عموم مردم (اعم از دیندار و بی‌دین) آزادند تا به انجام آن همت گمارند، با این تفاوت که دینداران باید ارزش‌ها و فرامین الهی را مراعات نمایند. به نظر وی، پذیرفتن حقوق بشر و تأسیس نظام دموکراتیک به عنوان امری عرفی و غیردینی از سوی مسلمانان در واقع پذیرفتن یک روش است و هیچ تعارضی با دین و دینداری ندارد و بدعت محسوب نمی‌شود. چنانکه پیامبر اسلام هنگام بعثت بسیاری از نهادهای حقوقی و عرفی موجود را در همان هویت عرفی و غیردینی آنها پذیرفت و حتی به آنها هویت دینی یا «حقیقت شرعیه» نداد.^۳ بر این اساس است که شبستری معتقد است می‌توان در چگونگی تنظیم ارتباطات انسانی و التزام به حقوق اجتماعی، سیاسی و شهروندی افراد هم به اوامر و نواهی خداوند و هم به حقوق بشر ملتزم گردید.^۴

تشابهات و تفاوت های جوادی آملی و شبستری

الف. تشابهات و اشتراکات:

میان آرای کلامی سیاسی جوادی آملی و شبستری هم در روش و هم در محتوا چندین مشابهتی دیده

۱. جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ۲۵۲.

۲. مجتهد شبستری، نقدی بر فرانت رسمی از دین، ۵۲۸.

۳. همان، ۲۸۰.

۴. مجتهد شبستری، تأملاتی در فرانت انسانی از دین، ۱۹۱.

نمی‌شود. البته می‌توان به زمینه‌های مطالعاتی و تحصیلی مشابه در حوزه علمیه و توجه به تراش کلامی در این زمینه اشاره کرد. هم‌چنین توجه به مسایل نوپدید در حیطه کلام سیاسی را نیز می‌توان افزود. بدین معنا که هر دو متکلم به ضرورت و اهمیت اندیشه ورزی کلامی سیاسی روزآمد واقفند و به تحلیل و تبیین و اتخاذ موضع در این زمینه همت می‌کنند. انسجام نسبی در مجموعه کلام سیاسی و محصولات فکری از دیگر اشتراکات این دو می‌توان برشمرد. بدین معنا که میان روش، مبانی و نتایج اندیشه ورزی دو اندیشمند انسجام نسبی است و گسیختگی و پراکندگی چندانی مشاهده نمی‌شود.

در دین و سیاست شباهت جوادی و شبستری آن است که هر دو آن‌ها را با یکدیگر مرتبط می‌دانند. و ساحت دین را از ساحت سیاست مبرا نمی‌دانند گرچه در رهیافت بدان تفاوت‌های عمده‌ای دارند. بر همین اساس جوادی^۱ و شبستری با وجود مبانی و مفروضات متفاوت در متصور ندیدن وضعیت سکولار مشترکند. بدین معنا که شبستری سکولاریزم را در تقابل با فرهنگ سیاسی - اجتماعی فوق عقلائی و غیردنیایی (زاکرال) می‌داند. و از نظر او در تاریخ اسلام «زاکرال» وجود نداشته تا امروز «سکولاریزم» به عنوان مقابله با آن مطرح شود.^۲

جوادی آملی و مجتهد شبستری در بیان ماهیت رابطه نبوت و سیاست تقریباً نقطه اشتراکی ندارند. در امامت در مرجعیت علمی و دینی امامان مشترکند اما در تلافی آن با سیاست فاقد مشابهتند. نسبت به قلمرو دین به نظر می‌رسد که جوادی آملی در قسیم وحی دانستن عقل و اعتبار ذاتی آن و حجیت عقل همسان وحی آبرخی اشتراکات و شباهت‌ها با مجتهد شبستری می‌یابد.

جوادی آملی و مجتهد شبستری در مساله اسلام و مشروعیت حکومت با وجود همه تفاوت‌ها به نظر می‌رسد که در اهمیت بنیادین چگونه حکومت کردن در کنار پرسه «حکومت چه کسی؟» با یکدیگر می‌توانند دارای مخرج مشترک و شباهت باشند. در مقوله رابطه اسلام و دموکراسی نیز در اصل امکان سازواری این دو و ترکیب نهاد دین و نهاد دولت گرچه با رویکرد متفاوت سهیم و شریک‌اند. در موضوع رابطه اسلام و آزادی وجه شباهت هر دو تأکید بر عدم تحمیل و اجبار، امکان انتخاب‌گری و انتخاب شدن و حق رأی، مشارکت مردم در فرآیند امور سیاسی، حق نظارت بر عملکرد حاکمان و جلوگیری از رفتارهای

۱. جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، ۱۲۹.

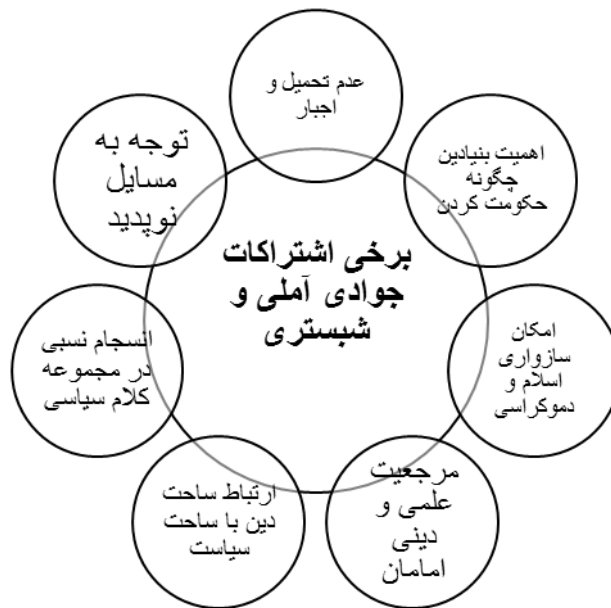
۲. مجتهد شبستری، تأملاتی در فرانت انسانی از دین، ۱۵۹.

۳. جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۲۲۶-۲۲۷ و ۲۱۷-۲۱۸.

۴. میراحمدی، مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، ۵۶.

۵. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۲، ۱۷۲-۱۷۳.

تبعیض آمیز و اظهار نظر در تصمیمات دولتمردان.^۱ در مبحث رابطه اسلام و حقوق بشر وجه شباهت آن‌ها این است که هر دو البته با ادبیاتی مختلف، آزادی، عدالت، امنیت، و مالکیت را ابعاد مختلف حقوق بشر می‌شناسند.^۲



ب. تفاوت‌ها و افتراقات:

به نظر می‌رسد که تفاوت‌های جدی در روش، مبادی و نتایج کلام سیاسی میان جوادی آملی و مجتهد شبستری وجود دارد. گرچه هیچ‌گاه با یکدیگر مجادله شفاهی و قلمی نداشته‌اند. در حالی که جوادی آملی به حفظ و تقویت میراث کلامی سیاسی سخت معتقد است و بر آن پا می‌فشارد اما شبستری این میراث را در دوره جدید یکسره غیر مفید می‌انگارد و به تجدید و پایه‌گذاری کلامی نو مبتنی بر پذیرش قاعده‌های جهانی توصیه می‌کند. آو شفاف اعلام می‌کند که اسلام به عنوان دین دچار بحران است و آراء و مبانی کلامی و فقهی آن فرو ریخته و دوران علم‌اجتهاد فقهی را سپری شده معرفی می‌کند. شبستری در تمامی گزاره‌های بنیادین تشکیک کرده یا به‌بوته نفی می‌سپارد. اثبات مدلل وجود خدا را

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳، ۴۷۱.

۲. جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ۱۰۴-۱۰۵؛ مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ۵۲۸.

۳. مجتهد شبستری، نقد بنیادهای فقه و کلام، ۳۱۸.

علیرغم معقول بودن ایمان مومنان امکان پذیر ندانسته به تبع آن سخن گفتن خدا با انسان مشخص (محمد(ص) با الفاظ و جملات متن قرآن^۱ و اوامر و نواهی آن را تشریحات لفظی مستقیم خداوند دانستن را نفی می کند. از این رو تعالیم اعتقادی را به طور کامل تاریخمند و سیال می داند بر این اساس او روایتگری حضرت محمد و قانونگذار و منشأ گزاره های اعتقادی دانستن او را موجب خسارتهای فراوان مسلمانان تلقی می کند امری که باعث ورود به قلمرو هرمنوتیک مدرن سکولار می خواند بر همین اساس تفاوت دیگر جوادی آملی و مجتهد شبستری آن است که جوادی کلام جدید را به تجدد در عالمان معنا کرده و شبستری تغییر ماهوی و تغییر پارادایم معرفی می کند^۲

در رابطه دین و سیاست در حالی که جوادی آملی ماهیت احکام اسلام را ترسیم کننده ضرورت تشکیل حکومت می داند. شبستری در نقطه مقابل ماهیت اسلام را عدم دینی بودن حکومت می انگارد. وی عمل سیاسی بدون قصد قربت برای خوب زندگی کردن را مورد رضایت و مهر خداوند می شناسد. شبستری به نفی حق حاکمیت حقوقی خداوند^۳ بر خلاف جوادی^۴ معتقد است. شبستری بر خلاف جوادی که معتقد به اندماج دین و سیاست است معتقد به عدم تعریف سیاست از منظر ایمان و ماهیت بشری - عقلایی آن و عدم تحقق سکولاریسم از سوی دیگر به معنای نفی الزامی حضور مدنی دین در عرصه سیاست است. جوادی ماهیت نبوت را آمیخته با حکومت می انگارد در حالی که شبستری بر خلاف آن اعتقاد دارد. جوادی آملی بر خلاف شبستری حکومت را در ذات امامت می داند و شبستری بر خلاف جوادی معتقد به قابل تغییر بودن اکثریت قاطع احکام عرصه معاملات و سیاسات به جهت ارشادی بودن و انحصار ثابتات به کلیات و اصول است.^۵

در مشروعیت حکومت جوادی آملی بر خلاف شبستری که یکسره عرفی و مردمی می داند. به انتصاب الهی و امتداد آن در عصر غیبت توسط فقیه به عنوان نماینده دین به لحاظ کلامی اما با مقبولیت

۱. مجتهد شبستری، همان، ۳۱۹.

۲. مجتهد شبستری، همان، ۳۵۳.

۳. مجتهد شبستری، همان، ۸.

۴. مجتهد شبستری، همان، ۲۳۲.

۵. مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، ۱۸۸.

۶. جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، ۶۸.

۷. مجتهد شبستری، <http://www.mohammadmojtahedshabestari.com>، ۹/۹/۱۳۹۲.

۸. مجتهد شبستری، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ص ۱۸۷.

۹. جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، ۱۲۹.

۱۰. مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت: ۲۲۸-۲۳۰.

۱۱. مجتهد شبستری، ۱۳۸۸.

مردمی معتقد است. شبستری بر خلاف جوادی تمامی مفاهیم سیاسی را عرفی دانسته و اصالتاً حکومت را غیر دینی می‌شناسد. آدر حالی که از نظر جوادی آزادی مردم، با مسئولیت در برابر خدا همراه است؛ نه آزادی مطلق. شبستری به آزادی به صورت بین‌الذهانی معتقد است و در نهایت از نظر شبستری حقوق بشر امری فرا دینی بوده و بیانیه حقوق بشر می‌باید مبنای عمل قرار گیرد. اما از نظر جوادی حقوق بشر امری درون دینی تلقی می‌شود که بر حقوق بشر غیر دینی به جهت زیرسازهای داخلی، فاعلی و غایی تفوق و برتری دارد.

جدول افتراقات

| تفاوت / شخصیت | جوادی آملی | مجتهد شبستری |
|-----------------|---|---|
| ماهیت کلام جدید | عدم تغییر ماهوی-تجدد عالمان | تغییر ماهوی و پارادایم |
| دین و سیاست | امتزاج ماهوی | عدم امتزاج دین و سیاست- عمل سیاسی بدون قصد قربت- نفی حق حاکمیت حقوقی خداوند- ماهیت بشری- عقلایی |
| نبوت و سیاست | همسان یکدیگر و مدغم در هم - حکومت جزئی از ماموریت الهی پیامبران | حکومت دنیوی- نبوی- عدم دعوی قانونگذاری- عصمت در عوت به خدای یکتا و عدم عصمت در سایر مراتب |
| امامت و سیاست | معصومین (ع) را منصوب و منصوب از ناحیه الهی به حکومت- دارای عصمت حداکثری | حکومت از مسائل فرعی نظریه امامت- صرفاً مرجعیت دینی و علمی |
| قلمرو دین | جامعیت منابع دینی- اندراج عقل و نقل | ارزش- های اخلاقی و بیان |

۱. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ۲۱۲-۲۱۱.

۲. همو، تأملاتی در قرانت انسانی از دین، ۱۵۶.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۶، ۲۲۱-۲۲۲.

| | | |
|---|--|--------------------------------|
| کلیات - امضایی بودن و متغیر بودن معاملات و سیاست | ذیل شریعت | |
| مشروعیت مردمی - تاکید بر چگونه باید حکومت کرد - ماهیت عرفی حکومت | مشروعیت الهی - مقبولیت مردمی - ولایت بر فرزندانگان - عدم تحمیل | اسلام و مشروعیت حکومت |
| مخالفت با مفهوم مردم سالاری دینی یا حکومت دموکراتیک دینی - سنجش ناسازگار نبودن نظام حکومتی مسلمانان با اصول ارزشی به جای سنجش سازگاری | اسلامیت در مقام ثبوت و جمهوریت در مقام اثبات - مردم سالاری دینی مفهومی بسیط - وجوب مشورت برای غیر معصوم | اسلام و دموکراسی (مردم سالاری) |
| منطق ایمان مساوی با منطق آزادی - عدم مرزبندی میان آزادی سیاسی و غیر سیاسی | آزادی مردم، با مسئولیت در برابر خدا - عدم تحمیلی بودن عقیده - اجبار لغو است - مرزبندی میان آزادی سیاسی و غیر سیاسی | اسلام و آزادی |
| تاکید بر حقوق بشر غیردینی - اخلاقی - پذیرفتن حقوق بشر عرفی و غیردینی تعارضی با دین و دینداری ندارد | حقوق بشر دینی - برترین منبع حقوق، اراده تشریحی خداوند - پنج مزیت نظام حقوقی اسلام - | اسلام و حقوق بشر |

نتیجه

کلام سیاسی از حوزه های نوظهور دانشی است که هنوز در قامت دانشی تمام عیار قد بر نیفرشته است و این بر ضرورت بررسی و تعمیق ادبیات دانشی آن می افزاید. مقاله در همین جهت به بررسی یکی از مهم ترین ابعاد دانشی کلام سیاسی که مسائل آن است به صورت تطبیقی میان دو اندیشمند مطرح این حوزه اقدام کرده است و پاره ای از اهم مسایل کلام سیاسی که از ترابط دانش کلام متعارف، کلام جدید و محتوای دانش سیاست برخاسته است را به بوته تحلیل گذاشته است.

جوادی آملی و مجتهد شبستری دو متکلم سیاسی هم نسل در طراز نخست هستند که علیرغم سابقه مشترک حوزوی در دو پارادایم یا دو گفتمان یا دو دستگاه کلامی - سیاسی می اندیشند و تولیدات فکری

جدی و تاثیرگذار در حیطه مورد بررسی داشته اند. زیست و پایگاه فکری جوادی سنت و نص است. او علیرغم اهتمام اساسی به مسایل نوپدید از این پایگاه است که به تجزیه و تحلیل مسایل کلام سیاسی می پردازد. در مقابل، زیست و پایگاه فکری شبستری مدرنیسم و پست مدرنیسم به ویژه نحله روشی هرمنوتیک و فلسفه قاره ای است. از این رو اگرچه او آشنایی مناسبی با میراث کلامی و فلسفی سنت اسلامی دارد اما بر پایه سنت، مسایل را صورت بندی نمی کند. از این رو اگرچه این دو متکلم سیاسی ممکن است شباهت ها و اشتراکاتی هم داشته باشند اما بیشتر، تفاوت ها به چشم می آید.

اختلاف این دو در مسایل کلام سیاسی به دلیل اختلاف در مبانی آن هاست و تنفس در دو پارادایم/گفتمان متفاوت از نوع اثبات خدا تا سنخ شناسی وحی تا گستره رسالت و امامت تا تمامی مبانی و مبادی و مسایل را در بر می گیرد. در مسایل کلام سیاسی شبستری را به طور حتم می توان در گروه کلام/دین حداقلی اندیشان گنجانند. زیرا او به فروپاشی کلام و فقه و اصول سنتی باور دارد و تمامی احکام اجتماعی سیاسی را امضایی و تغییرپذیر می داند. اما جوادی آملی در دسته کلام/دین حداکثری می توان دسته بندی کرد. او بر خلاف شبستری همه مسایل را به صورت سلسله مراتبی به خدا پیوند می دهد و قصد قربت را لازم می شمرد. با این حال نوع ادبیات و خوانش وی گاه اختلافات بسیار با نحله های دیگر کلام حداکثری دارد. به گونه ای که گاه شکل حداکثری دارد اما محتوای حداکثری ندارد گرچه حداقلی نیز نیست. به طور نمونه می توان ماهیت علوم انسانی اسلامی از دیدگاه جوادی را مثال آورد که از سوی برخی دیگر از حداکثری گرایان حتی به عرفی گرایی هم متصف شده است.

منابع

- امامی، حسین، (۱۴۰۱)، تفسیر سنتی و هرمنوتیک جدید؛ مقایسه ای تطبیقی میان دیدگاه های تفسیری محمدحسین طباطبایی، عبدالله جوادی آملی، عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری، ناشر: نقد فرهنگ. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۶۸)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا.
- لاریجانی، صادق، (۱۳۷۵)، اقتراح «کلام در روزگار ما». فصلنامه نقد و نظر، ش ۹.
- امینی، آرمین؛ الهیاری، اصغر؛ (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی مردم سالاری و منافع ملی در آرا شهید مطهری و مجتهد شبستری مجله: مطالعات منافع ملی « تابستان - شماره ۱۲ (از ۱ تا ۳۱).
- باقری دولت آبادی، علی؛ نوری، نسیم؛ (۱۳۹۴) تاثیر انسان شناسی بر تفسیر مفهوم آزادی در اندیشه آیت اله محمدتقی مصباح یزدی و محمد مجتهدی شبستری، مجله: مطالعات سیاسی « تابستان - شماره ۲۸ (از ۵۱ تا ۷۴).

- ترابی، محمد؛ (۱۳۹۵)، مقایسه مبناهای کلامی و تبیین قلمرو دین از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و مجتهد شبستری در باب حکومت مجله: سیاست پژوهی ایرانی « پاییز - شماره ۹ از ۶۷ تا ۹۵.
- جرجانی، سید شریف علی بن محمد، شرح المواقف، بیروت، دارالجمیل. بی تا.
- جوادی آملی، (۱۳۷۵ الف)، عبدالله؛ نقد نقد، حکومت اسلامی، شماره ۲.
- جوادی آملی، (۱۳۷۹)، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۴، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء.
- جوادی آملی، (۱۳۷۹)، عبدالله؛ صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۰)، انتظار بشر از دین، قم: موسسه نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق و تنظیم احمد واعظی، قم، اسراء، ۱۳۹۸.
- جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، تحقیق و تنظیم کتاب علی نصیری، قم، اسراء، ۱۳۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، تحقیق، عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء، ج ۶.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸ الف)، تفسیر تسنیم، تحقیق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء، ج ۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۶۸)، پیرامون وحی و رهبری، قم، دارالزهراء.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۳)، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر رجا.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۵ ب)، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۵ ج)، قیاسات، مقاله علم کلام {تعریف، وظیفه، قلمرو}، سال اول، شماره دوم.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۸)، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریزم، قم، مرکز نشر اسراء، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۵)، ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء، ج ۶.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸ ب)، نسیم اندیشه، پرسشها و پاسخها از حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، ج ۳.
- جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۷۸)، شریعت در آینه معرفت، قم، ج ۲، مرکز نشر اسراء.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا، پیمان کمالوند و سجاد رحیمی: مطالعات قرآن و حدیث سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۲ شماره ۲ (پیاپی ۱۲).
- حائری یزدی، مهدی، (۱۳۷۵)، نقدی بر مقاله «سیری در مبانی ولایت فقیه»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲، زمستان.
- حائری یزدی، مهدی، (۱۹۹۵)، حکمت و حکومت، لندن.
- رشیدی، احمد؛ مختاری، جمال؛ (۱۳۹۶) حکومت دینی و دموکراسی (بررسی آرا و اندیشه های دکتر محمد مجتهد شبستری و آیت الله مصباح یزدی) مجله: فقه حکومتی « بهار و تابستان - شماره ۳ (از ۲۵ تا ۴۸)

آقاجانی؛ بررسی تطبیقی «مسائل کلام سیاسی» از دیدگاه جوادی آملی و مجتهد شبستری / ۲۰۱

روشن، امیر؛ شفیع سیف آبادی، محسن؛ (۱۳۹۰) تفسیر دین و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمد تقی مصباح یزدی مجله: پژوهش سیاست نظری « زمستان ۱۳۸۹ و بهار - شماره ۹ از ۲۱ تا ۴۴ .

شهبازی، آمنه؛ (۱۴۰۰) نقد شبهه دکتر مجتهد شبستری مبنی بر بشری بودن قرآن کریم با تکیه بر آراء آیت الله جوادی آملی (دام عزه) مجله: مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی « پاییز و زمستان - شماره ۱۲ از ۲۵۱ تا ۲۷۲ شیرخانی، علی؛ یزدانی احمدآبادی، اکبر؛ (۱۳۹۶) مقایسه‌ی اندیشه‌ی سیاسی طالقانی و محمد مجتهد شبستری مجله: سیاست نامه مفید « پاییز و زمستان - شماره ۳ از ۱۱۷ تا ۱۳۴.

فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۵) روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، چاپ ۴، دانشگاه علوم رضوی. فوزی، یحیی، (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸)، ایمان و آزادی، سوم، تهران، طرح نو. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۳) تأملاتی در قرائت انسانی از دین، تهران، طرح نو. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران، طرح نو. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۰)، هرمنوتیک فلسفی و تعدد قرائت‌ها از دین، نوروز، ۸ آذر. مجتهد شبستری، محمد، (۸ شهریور ۱۳۸۸)، تفسیر حقوقی قانون اساسی تنها راه حاکمیت ملت و نجات کشور است، <http://mohammadmojtahedshabestari.com>.

مجتهد شبستری؛ محمد، (۱۳۷۵)، هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران، طرح نو. مجتهد شبستری؛ محمد، (۹/۹/۱۳۹۲)، ایمان، سیاست و حکومت، <http://www.mohammadmojtahedshabestari.com>

مجتهد شبستری، محمد، (آبان ۱۳۹۶)، نقد بنیادهای فقه و کلام سخنرانی‌ها، مقالات، گفتگوها، نقد بنیادهای فقه و کلام، در <http://mohammadmojtahedshabestari.com/1282-2>.

محمدپور مرزبالی، خدیجه؛ حسینی، فرزاد، دین حداقلی انگاران» و «دین حداکثری انگاران»، دوگانه اندیشه‌های سیاسی جدید در جهان اسلام، سیاست پژوهی ایرانی « زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۱۸، (۶۴ تا ۸۵) میراحمدی، منصور، مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت الله جوادی آملی، دوره ۳، شماره ۱ - شماره پیاپی ۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحه ۵۳-۷۶، ۵۶.